

مباحث خارج اصول فقہ

استاد معظم

حضرت آیت اللہ حسینے گرگانے مؤظله العالی

«اجتماع امر و نہی»

شماره: ۱

اجتماع الأمر والنهي

محقق خراساني: اختلفوا في جواز اجتماع الأمر والنهي في واحد وامتناعه 'على أقوال ثالثها جوازه عقلاً وامتناعه عرفاً.

فرمایش مرحوم آقای آخوند قدس سره مطابق با مشهور و قدمای از اصولیین می باشد.

محقق نائینی قدس سره در عنوان مذکور مناقشه نموده و فرمودند: أنسب تغییر عنوان است، به این نحو: «الأمر والنهي المتعلقان بشيئين متحدین خارجاً وجوداً وإيجاداً هل يسري أحدهما إلى متعلق الآخر أو لا؟»^۲

و در فوائد الاصول می فرمایند: ليس ظاهر العنوان مراداً قطعاً، فإنّ ظاهر العنوان يوهم امكان اجتماع الضدين وبيان آخر يوهم أنّ القائل بالجواز لا يعترف بتضادّ الحكيمين أو يوهم يعطي أن يكون النزاع في تضاد الأمر والنهي وعدمه، مع أنّ تضادّ الأحكام بأسرها امر مفروغ عنه غير قابل للنزاع فيه. و لأنّ الاختلاف لابدّ أن يكون في مورد امكان الاجتماع، مع أنّه ليس كذلك لامتناع اجتماع الضدين وهنأهما الأمر والنهي.

بيان ذلك أنّ القائل بجواز الاجتماع يدّعي عدم لزوم الاجتماع مع اتحاد المتعلقين خارجاً، لا أنّه يدعي جواز الاجتماع بعد تسليمه الاجتماع، اذ استحالة الاجتماع بعد وضوح التضاد بين الحكيمين مما لا تكاد تخفى.

۱. اجود التقريرات، ج ۱، ص ۳۳۱.

۲. قوانين المحكمة، الفصول الغروية، كفاية الاصول.

وعلى بيان المحقق الثاني يكون البحث في هذه المسئلة صغروباً، اذ الكبرى وهي امتناع اجتماع الضدين، فالبحث في جواز الاجتماع وعدمه يكون البحث في صدد اثبات صغرى كبرى المذكورة. وقد نوقش عليه بان اجتماع الشينين المتنافيين في شيء واحد قد يكون على نحوين: احدهما ممتنع والآخر جائز، مثال الجواز؛ اجتماع الماء في ظرف و النار في ظرف آخر في الدار، فانه يصدق اجتماع النار والماء في الدار حقيقة، و مثال الممتنع اجتماعهما في نقطة واحدة.

وعليه فالبحث في جواز اجتماع الأمر والنهي في واحد وعدمه لا يرجع الى الالتزام بعدم تضاد الحكمين، بل مرجعه الى ان متعلق الامر والنهي في الحقيقة واحد فيمتنع اجتماعهما أو أنّ المتعلق متعدد فيجوز اجتماعهما في ذلك الواحد لانه من قبيل النار والماء في نقطتين من الدار.

ويكون منشأ الخلاف هو ان هذا الواحد ذي الوجهين واحد حقيقة او متعدد فيمتنع اجتماعهما فيه على الاول ويجوز على الثاني من دون ايها رجوعه الى انكار تضاد الحكمين.

وناقش السيد الإمام الخميني على المحقق الخراساني حيث قال: لكنه ليس بسديد، فان المراد بالواحد إما الواحد الشخصي أو النوعي أو الجنسي أو الأعم من الجميع، وعلى أي تقدير فالأمر دائر ما بين بديهية الامتناع، لأنه إن أريد بالواحد الواحد الشخصي الخارجي، فالشيء الواحد بعد وجوده لا يمكن أن يتعلّق به أمر أو نهى، فيمتنع الجواز، وإن أريد به الواحد الجنسي فالجواز بديهي كالامر بالسجود لله تعالى والنهي عنه للصنم.

فالأولى أن يعنون البحث هكذا: هل يجوز تعلّق الأمر والنهي الفعلين بعنوانين متصادقين على واحد شخصي أو لا؟ فانّ النزاع فيه معقول كبروي، اي في الجواز وعدمه، وأما بناءً على ما ذكره صغروي في اصل الاجتماع وعدمه

مرحوم آقای خوئی می‌فرمایند: عنوانی را که قدماء ارائه دادند موهم این است که نزاع کبروی می‌باشد به این بیان که موضوع مسئله اجتماع امر و نهی در شیء واحد، و محمول آن جواز یا عدم جواز که همان امتناع باشد.

توضیح: قائلین به جواز اجتماع ادعا دارند که مانعی از اجتماع امر و نهی در شیء واحد وجود ندارد؛ چون مضاده‌ای بین آن دو نیست، پس مانعی از اجتماع آن دو در شیء واحد وجود ندارد و قائلین به امتناع ادعا می‌کنند استحاله اجتماع آن دو را در شیء واحد؛ زیرا میان امر و نهی تضاد وجود دارد.

پس با توجه به آنچه گفته شد نزاع در مسئله باز می‌گردد به ادعای مضاده بین احکام شرعیه برخی از آنها با بعضی دیگر، و یا عدم مضاده، بنابر اول چاره جز قول به امتناع نیست و بنابر قول دوم جواز اجتماع.

تحقیق آقای خوئی: نزاع در این مسئله معقول نیست کبروی باشد؛ چون استحاله اجتماع امر و نهی در شیء واحد مطلقاً حتی نزد کسانی که تکلیف به محال را جایز می‌دانند همانند اشاعره، به دلیل اینکه اجتماع امر و نهی فی نفسه محال است نه از باب تکلیف به محال؛ چون شیء واحد محال است هم محبوب و هم مبعوض مولی باشد و این استحاله امریست بدیهی و مذاهب تمامی بر این گفته اتفاق نظر دارند.

خلاصه سخن: استحاله اجتماع امر و نهی در شیء واحد حتی عند القائل بجواز اجتماع الأمر والنهی در شیء واحد جای هیچ شبهه و اشکال نیست؛ چون وی به ملاک تعدد عنوان موجب تعدد معنون، این سخن را می‌گوید. و اما با فرض وحدت معنون و اینکه تعدد عنوان موجب تعدد معنون نمی‌شود اصلاً قائل به جواز اجتماع نیست، پس نزاع کبروی نیست بلکه صغروی می‌باشد. همانگونه که محقق نائینی رحمته الله علیه فرمودند.

أقول: عنوان مشهور اصولیین اولویت دارد؛ بخاطر اینکه محقق نائینی رحمته الله علیه و دیگران از عنوان بحث خارج شده‌اند؛ چون زیر بنای بحث را این قرار داده‌اند؛ جهتین متضادین تقییدی‌اند یا تعلیلی؟ اگر تقییدی باشند متعلق امر غیر از متعلق نهی است و اگر تعلیلی باشند متحد خواهند بود. اساس بحث را این صغری قرار داده‌اند و سرایت و عدم سرایت را هم بر همین محور قرار داده‌اند و ایشان عنوان مشهور را مورد بحث قرار نداده‌اند.

مرحوم آقای بروجردی رحمته الله علیه: امر دلالت بر بعث مصلحت و نهی دلالت بر زجر از مفسده دارد. اجتماع بعث و زجر در شیء واحد معقول نیست نه اینکه تکلیف به محال است بلکه استحاله ذاتی دارد، هم از ناحیه مولی جمع بین حبّ و بغض و متعلق هم دارای مصلحت ملزمه و هم کراهت و مفسده ملزمه این هم معقول نیست.